



علوم انسانی اسلامی در مواجهه با چالش‌های علوم سکولار و الحاد جدید چگونه می‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه امروز باشد؟

افت و گو با حجت الاسلام والمسلمین حمید رضا شاکریان

بعاد وسیعی دارد و در آثار مختلفی بررسی شده است. کتابی راجناب آفای قلی زاده - که رساله ارشد ایشان در دانشگاه ادبیان بوده - به ثمر رسانده اند که بیشتر نگاهش نقد است. در آن کتاب، ۲۳ محور بررسی شده که در مقام پاسخ به اشکالاتی که برای علوم انسانی اسلامی مطرح می شود و در خلال این نقد های علوم انسانی موجود مطرح شده است. من اینجا اگر بخواهم خیلی اجمالی عرض کنم، علوم انسانی موجود به لحاظ بنیادهای انسان شناختی، جهان شناختی، ارزش شناختی و... بر بنیاد کجی استوار است و بشر را به پیراهه می برد. بله ممکن است در اقتصادش بتواند رفاه پدید بیاورد و یا بعضی زمینه های دیگر کش بتواند در عرصه نیازهای مادی مسائل را به دنبال بیاورد؛ اما آسیب هایی هم دارد. آسیب هایی به ابعاد دیگر وجودی انسان وارد می کند. این علوم انسانی، تمدن کاملاً مادی می سازد که نتیجه آن، دوری و بهاندادن به صورت اصیل و اساسی به حقایق وجودی انسان و ارزش های عالی انسانی است. انسان این علوم همان چیزی است که منسوب به هابر است؛ یعنی گرگ انسان است. تمدنی می سازد که در آن انسان، گرگ انسان است. تمدنی می سازد که با هواییمای مدرن در بلندای آسمان، ماسک دزدی صورت می گیرد. علم و صنعت و تکنولوژی اش در خدمت انسان قدرت طلبِ تکاثرگرای فزونی خواه و سیرنشدنی ای می شود که برای دسترسی به قدرت و ثروت بیشتر، حاضر است میلیون ها انسان را به کام مرگ بکشد و نابود کند. این چیزی است که می بینیم دنیای امروز درست کرده است. این علوم انسانی، تمدنی می سازد خونین پنجه که در آن، نهادهای حقوق بشری و... همه در خدمت انسان تکاثرگرای قدرت طلبِ خونین پنجه است و چیز دیگری ندارد.

ل که به طور معمول در گروه هست، وقتی کاری توان رسانه علمی انجام شده، طبیعتاً تغییراتی سب با انتظارات گروه و سطح مخاطبانش رسنده خواسته می شود و حداقل ۵۰ درصد رات صورت می گیرد و اثر، هویت جدیدی می کند. پیشنهادهایی در شورای علمی گروه ق فهم دین در این زمینه مطرح شد، ارزیابان، را به صورت تفصیلی ملاحظه و پیشنهادهایی ح کردند و جناب حجت الاسلام قلی زاده زحمت کشید و اثر را بازیبینی و اصلاحات بواسطی را انجام داد. سپس مراحل بعدی طی تا اینکه اثر برای چاپ آماده شد و امیدوارم ماء الله به زودی منتشر شود.

نقاط قوت و ضعف علوم انسانی سکولار در ب «بنیادهای علوم انسانی اسلامی» چگونه می شده است؟

این کتاب جنبه اثباتی دارد؛ یعنی اصالتناد د تأسیس است، نه نقد. پس اگر نقدی هم علوم انسانی سکولار داشته باشد، این جنبه ای و اساسی کار نیست. در لابه لای مطالب کن است، نقد هایی وجود داشته باشد؛ ولی کار سی اش نیست که بخواهد به عنوان یک محوری و جدی به نقد علوم انسانی سکولار و بررسی ها و ضعف هایش پردازد. تحقیق در صدد پس است؛ یعنی اگر بخواهیم علوم انسانی می داشته باشیم، بر چه چیزی استوار است، زیرساخت ها و چه منطقی دارد و چگونه واند سامان پذیرد. این هدف اصلی کتاب است. نقد در این کتاب یک امر جانی و ثانویه که در خلال مطالب ممکن است، گوش و لابه لای مطالب مطرح شده باشد.

ایا کتاب «الحاد تکاملی و خداباوری» توانسته ت، به طور قانونکننده ای به اشکالات الحاد

امروزه به خوبی مشکلاتی که این علوم انسانی در دنیای جدید فراهم کرده، علم و تکنولوژی را هم در خدمت همین هواخواهی های فزون طلب و همین گرگ انسان قرار داده و واقعاً بشریت را به نابودی می کشاند، برملا شده است. تا پسر بنرگردد به یکسری بنيادهای اصولی تر، استوارتر و علومی را تولید نکند که در آن، همه ابعاد وجودی انسان و همه ابعاد وجودی هستی و نظام هستی و قوانین و سنت های الهی حاکم بر آن لحاظ نشده باشد، جهان روی خوش نخواهد دید و این، درواقع علوم انسانی دین بنیاد را ایجاد می کند. الحاد جدید هم، پیشتر از در این است که آنچه علوم انسانی سکولار می گویند، تعمیق بیخشند و برایش بنيادهای طبیعی درست کنند و سنگ بنایش و زیربنایش را به صورت فیزیکالیستی و طبیعت گرایانه و الحادی بچینند. همه این های تبغی هستند که درواقع، گلوی انسانیت رامی برد و آسیب های جدی به بشر امروز وارد می کنند. امیدواریم که اندیشمندان و متفکران بیش از پیش، خطرات این ها را متوجه شوند، دقت کنند و در موردش، گام های اصلاحی را با عمق معرفتی قوی تری بردارند.

ین کتاب نقطه کانونی اش تقابل دو اندیشمند است: یک دانشمند ملحد، ریچارد داوکینز و اندیشمند خداباور، آلیستر مک گرات. در کتاب به خوبی به این مسأله پرداخته شده است. آنچه ای که در واقع هم ضعف های کاه داوکینز و جریان الحاد به خوبی در لایه لایلب آشکار می شود، پاسخ های خوبی که آقای مک گرات دارد، آورده و بازتاب داده است. یعنی که مک گرات در واقع خیلی عرفی بخواهیم بییم، کم آورده و نتوانسته، پاسخ قوی و درخوری کنند که این به وجهی، به ضعف فلسفی و ف الهیات مسیحی بازگشت می کند، جناب اللہ اسلام قلی زاده توانسته، با استفاده از بیت اندیشه اسلامی، آن ضعف را جبران یعنی نشان دهد، این ضعف در کلام آقای مک گرات وجود دارد و از منظر حکمت و اندیشه اسلامی چگونه قابل جبران است.

چه نقدهایی به دیدگاه های علوم انسانی ولار و الحاد جدید وارد است و آیا این نقدهای در باهه بطور جامع مطرح شده اند؟

لکه هرگز نخواهد توانست. چرا؟ به دلیل جیزی که نقطه قوت و اتکای انحصاری رفی می‌کنند. آنها ادعا دارند که علم بنیاد این در حالی است که علم هیچ‌گاه یک نگاه هستی‌شناختی جامع و یک جهان‌بینی ارائه بدهد. علم فراتر از فیزیکی و روابطی مابین آنها را برای عرض نمی‌دهد. علم تنها می‌تواند پدیده‌های را برای ما توضیح دهد؛ اما کرانه‌های غایی و مسائل حوزه جهان‌بینی از دسترس علم است. علی‌الاصول، علم به این‌ها نمی‌تواند نه ابزارش را دارد، نه منطقش را دارد و نه را دارد؛ بنابراین، این‌ها هرگز نمی‌توانند این نمی‌توانند؛ به خصوص این، به هیچ‌وجه با ادعای دن جور درنمی‌آید.

چه قرار گرفته است؟

این است که این‌ها در شرایط خاصی، یک حرکت سنگین و گسترده‌ای را در جهانی آغاز کردند. یعنی بعد از انفجار دوکلوی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، از موقعیت کردند و بعید نیست که از قبل بنامه‌بریزی سد. در موقعیتی که با تبلیغات امپراتوری آن کار به‌نام دین انجام گرفت (طبق نه به دین دارد و نه به اسلام)، آنها فاده کرده و با شعار الحاد اعلام موجودیت سیستانگ‌ها شکل دادند، سپس هزینه‌های بادی کردند، در ابعاد مختلف آثاری تولید گشتند که طبعاً مخفیانه بودند؛ والا هیچ‌ضای مجازی را با آثاری در مقابله با دین، و یک دفعه وضعیت جدیدی را در دنیا بیش درآوردند که طبیعتاً حساسیت‌هایی را بیخت.

این دو کتاب داشته است؟

ب «بنیادهای علوم انسانی اسلامی از یت الله جوادی آملی» تحقیقی است که در لق فهم دین تعریف شد و فاضل اندیشمند حجت‌الاسلام سوادی تقبل کردند که هر را به انجام برساند. قبل از آن‌هم، ایشان دیگری در این زمینه انجام داده بود و رساله خود را در این زمینه نوشته بود. این طرح با گری و در سطح وسیع تر و عمیق‌تری به این درداشت و ایشان این کار را در گروه انجام یعنی طرح مسئله‌اش، هدایتش و مراحل که کار را به لحاظ علمی به سامان رساند، یت جناب حجت‌الاسلام سوادی انجام

الحاد تکاملی و خداباوری که اثر جناب اسلام قلی‌زاده است. ایشان هم رساله خودشان را در این زمینه در دانشگاه معارف سانده بود. کار ایشان در این زمینه ملاحظه شانش نداشت و نه تنها این اث

- ۱. دین سنتیزی شدید
 - الحاد جدید بسیار دین سنتیز است. جریان های حادی دیگری هم هست که از نظر تعداد یروان، بیشتر از این جریانند. الحاد جدید یک تقلیل بسیار محدود به لحاظ عددی در میان ملحدان است؛ اما بسیار فعل و پر جنب و جوش جنجالی است. این جریان به شدت دین سنتیز است؛ در حالی که خیلی از ملحدان این گونه بستند. جریان هایی داریم به نام الحاد شعائیر یا یچوالیستیک که در مراسمات دینی هم شرکت کنند و این را به لحاظ روانی و همبستگی جتماعی مفید می دانند؛ اما الحاد جدید این گونه بست و بسیار دین سنتیز است.
- ۲. نفت بر اکن

□ آیا علوم انسانی اسلامی می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای حامیه امروز باشد؟

• علوم انسانی اسلامی باید به رشد و غنای خوبی برسد. این مقداری که ماتوانستیم از اسلام استفاده کنیم، توانسته خدمات ارزشمندی داشته باشد؛ به عنوان مثال، اندیشه ولایت فقیه، یک نظریه سیاسی در کنار دیگر نظریه‌های سیاسی که در دنیا وجود دارد، است. ولایت فقیه یا به تعبیری که مقام معظم رهبری به کار برده‌اند، مردم سالاری دینی، یک نظریه سیاسی است؛ یعنی یک بخشی از همین حوزه علوم انسانی است. این نظریه آن جواب داده و در کنار نظریه‌های رقبی که در دنیا امروز در غرب و آن طرف عالم فعال هستند، توانسته به خوبی پاسخ بدهد، ارزش‌های خودش را بیاورد و جایگاه مناسبی پیدا کند. امروزه ما می‌توانیم به این بیالیم و نشان بدھیم که این الگو به بهترین شکل توانسته، بین دین و دنیا انسان ارتباط برقرار کند و تعارض و چالش را از بین ببرد و بسیاری از ارزش‌های مهمی را که بشر امروز به آن نیاز دارد، در خودش جای دهد، بر اساس آن نظام‌سازی کند و آن‌ها را در خودش پیاده کند.

زمینه‌های دیگری هم وجود دارد که باید بسیار در این زمینه کار شود. متأسفانه بدانه جامعه علمی ما، آن طور که شایسته و بایسته است، این مسئله را درک نکرده و با آن همراهی نکرده است؛ البته بعضی نهادهای علمی زحمات زیاد و ارزشمندی کشیده‌اند و بعضی شخصیت‌ها وارد قضیه شده‌اند. الان در این زمینه‌ها نزدیک به ۲۰۰ کتاب تولید شده است؛ ولی این در برابر آن عقب‌ماندگی‌ای که داریم، بسیار بسیار اندک است. نیازهای گسترده‌ای داریم و بدنۀ عظیم علمی کشور ما، نزدیک به ۲۰۰ هزار عضو هیأت

۴. تکیه افراطی بر نظریه تکامل
جریان الحاد جدید بیشتر سعی در علم، به نظریه تکامل داروین داکینیز خبلی اصرار دارد که داروین بوده و نظریه اش جایی برای خدا با درحالی که واقعیت اساساً این گونه نداروین از اینکه به او بگویند ملحد، پداشت و در او اخیر عمرش هم، یک و این را خودش تصویر کرد و هم می‌کرد که نظریه اش با خداباوری است؛ اما این‌ها سعی می‌کنند که استفاده الحادی کنند و برای این ه دستکاری‌هایی بکنند و مبالغه‌ها غریبی در این نظریه بکنند؛ مثل اصل انتخاب طبیعی را چیستان ها جالب این است که بسیاری از دخاداباور نیستند، ولی کار علمی من

علمی است که بخش زیادی از آن‌ها در فضای علوم انسانی کار می‌کنند. در نسبت با چنین پیکره بزرگی، آنچه انجام شده کافی نیست. بدنه علمی کشور باید بهتر و بهتر این مسئله را بهمدم و درک کند.

چون با بسیاری از اساتید دانشگاه هم، وقتی صحبت می‌کنیم، تصورات بسیار ابتدایی از علوم انسانی اسلامی دارند. فکر می‌کنند، اولاً ما دیگر با علوم غربی کار نداشته باشیم و ثانیاً فقط برویم کتاب روایت و آیات را باز کنیم و تجربه را هم کنار بگذاریم. این برداشت‌های غلط و دور از واقعیت باعث شده که جامعه علمی با این مسئله ارتباط برقرار نکند و آن کاری که باید صورت بگیرد، انجام نشود. اگر جامعه علمی این مسئله را درست درک کند و خوب با آن ارتباط برقرار کند، ما می‌توانیم تحول بسیار عمیق و گسترده‌ای را در آینده نزدیک داشته باشیم و امیدواریم، این اتفاق بیفتد.

- **الحاد جدید چه ویژگی هایی دارد و چگونه از علم، به ویژه نظریه تکامل، برای توجیه دیدگاه های خود استفاده می کند؟**
- **الحاد جدید چند ویژگی دارد. من در کتاب الحاد جدید، ۹ ویژگی را برای آن برشمرده ام؛ چند تا از آنها گذارم:**